



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

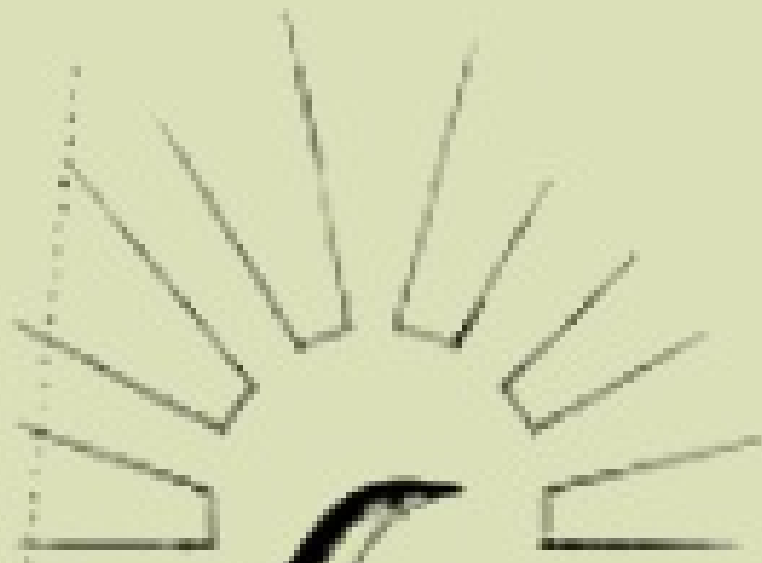
گامی



عمران
علیهما صلوات

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

قرآن مجید



« باب »

و جریان شناسی انحرافی

« بابت »

مجله علمی و فرهنگی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

باب و جریان شناسی انحرافی «بابت»

نویسنده:

عزالدین رضانژاد

ناشر چاپی:

نشریه انتظار

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵ فهرست
۶ باب و جریان شناسی انحرافی «بابیت»
۶ مشخصات کتاب
۶ اشاره
۶ یاد سپاری
۷ باب صفتی برجسته
۷ ابواب الله
۷ ابواب ائمه
۸ ابواب امام مهدی
۸ اشاره
۹ یادآوری
۹ بابیت دروغین
۹ برخی از مدعیان دروغین «بابیت» در عصر غیبت
۱۰ پاورقی
۱۲ درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

باب و جریان شناسی انحرافی «باییت»

مشخصات کتاب

شماره کتابشناسی ملی : ایران ۸۳-۲۹۶۸۰

سرشناسه : رضائزاد، عزالدین

عنوان و نام پدیدآور : باب و جریان شناسی انحرافی باییت / رضائزاد، عزالدین

منشأ مقاله : ، انتظار، ش ۸، ۹، (تابستان و پاییز ۱۳۸۲): ص ۳۹۹ - ۴۱۰.

توصیفگر : باییه

توصیفگر : امامان

توصیفگر : اهل بیت (ع)

توصیفگر : صحابه

توصیفگر : نواب اربعه

توصیفگر : عصر غیبت

توصیفگر : فقیهان

اشاره

مباحث مربوط به شناسایی فرقه‌های انحرافی در جریان مهدویت، در شماره‌های پیشین مجله پیگیری شد و در دو مقاله از خاستگاه فرقه‌ی ضالیه‌ی «باییت» سخن به میان آمده، برخی از ادعاهای دروغین این فرقه، مورد نقد و بررسی قرار گرفت. از آن روی که واژه‌ی مقدس «باب» (با تعابیر مختلف دیگری که دارد) دستاویزی برای ادعاهای ناصواب عده‌ای در طول تاریخ مسلمانان به ویژه در قرن سیزدهم گشته و گمراهی و ارتداد بسیاری را به دنبال داشت، در این مقاله به بازخوانی مسأله‌ی «باب» و مدعیان و مصادیق راستین آن پرداخته، تعدادی از مدعیان دروغین «باییت» در عصر حضور و غیبت معرفی گردیده‌اند.

یاد سپاری

عنوان «باب» لقبی مقدس در احادیث و روایات رسیده که پیامبر و اهل بیت اطهار (ع) است و افرادی از اصحاب برجسته‌ی پیشوایان معصوم (ع) به خاطر ویژگی‌هایی که بر شمرده خواهد شد، به عنوان «باب» خوانده می‌شدند. در این میان، عده‌ای جهت رسیدن به امیال و هواهای نفسانی خویش، از این واژه‌ی مقدس در تعالیم دینی و شیعی، بهره جسته و به دروغ خود را «باب ائمه» معرفی کرده‌اند. البته خوانندگان محترم بر این امر آگاهند که در طول تاریخ، عده‌ای با ادعای دروغین «الوهیت»، «ربوبیت»، «نبوت» و «امامت»، هم خود از راه حق منحرف شدند و هم عده‌ای از مردم ناآگاه یا مغرض و سود جو را به انحراف کشاندند. در جریان شناسی انحرافی «باییت» دقیقاً تکرار همین نکته را می‌بینیم. از این رو، بر عالمان دین و دست اندرکاران امور دینی - فرهنگی فرض است که ضمن بازخوانی تاریخ گذشته، به شناسایی زمینه‌های این نوع انحراف در عصر کنونی پرداخته و با اطلاع رسانی لازم و هشدار به هنگام، از پیدایش «باییت» دروغین و گرایش به آن جلوگیری به عمل آید. اینک با توجه به اهمیت مسأله، و تناسب مباحث گذشته، در بخش معرفی فرقه‌های انحرافی در مورد حضرت مهدی (ع) - که از فرقه‌ی ضالیه‌ی «باییه» سخن به میان آمد -

در این نوشتار به مسأله‌ی «باب» به عنوان لقبی ارزشمند و از «ابواب» و «بواب» به عنوان انسان‌های برجسته سخن خواهیم گفت و سپس با شناسایی اجمالی مدعیان دروغین بایبیت در عصر حضور و غیبت، عده‌ای را معرفی خواهیم کرد.

باب صفتی برجسته

«باب» یا «باب الله» در برخی از احادیث اسلامی به عنوان صفت پیامبر اکرم (ص) و دوازده امام معصوم (ع) به کار گرفته شد. چنان که واژه‌های دیگری مانند: «صراط»، «سبب»، «طریق» و «سبیل» که همه تعبیرهای دیگری از باب الله‌اند، برای ائمه (ع) به کار گرفته است. [۱]. امام باقر (ع) به پیامبر (ص) لقب «باب الله» و «سبیل الله» داده است: «ان رسول الله (ص) باب الله الذین لا یؤتی الامنه و سبيله الذی من سلکه وصل الی الله». [۲]. حضرت علی (ع) نیز، در چند روایت به «باب» و «باب الله» و «باب الجنة» خوانده شده است. مانند: «ان علیا باب فتحه الله فممن دخله کان مؤمنا». [۳]. «ان علیا باب من ابواب الهدی فممن دخله کان مؤمنا». «ان علیا باب من ابواب الجنة فممن دخله کان مؤمنا». [۴]. «انا مدینه العلم و علی بابها فممن اراد العلم فلیأت الباب». این حدیث صحیح و متواتر است. [۵]. فردوسی آن را چنین معنی کرده است: که من باب علمم علیم در است درست این سخن گفت پیغمبر است و مولانا جلال الدین رومی آن را چنین تفسیر کرده است: چون تو بابی آن مدینه‌ی علم را چون شعاعی آفتاب حلم را باز باش ای باب بر جویای باب تا رسند از تو قشور اندر لباب باز باش ای باب رحمت تا ابد بارگاه اله کفوا احد در حدیثی معروف که به روایت‌های گوناگون و در حد تواتر در کتاب‌های حدیثی اهل سنت و شیعه نقل شده است، پیامبر (ص) خود را شهر علم، حکمت، فقه، بهشت و خانه‌ی دانش و حکمت («مدینه العلم»، «مدینه الحکمه»، «مدینه الفقه»، «مدینه الجنة» و «دار العلم»، «خزانه العلم»، «دار الحکمه») و حضرت علی (ع) را «باب» آن خوانده است. [۶]. «باب مدینه العلم»، عنوانی است که حضرت رسول (ص) به امام علی (ع) داد و فرمود: چنان که در حدیث دیگر، پیامبر (ص) حضرت علی (ع) را «باب خدا» و «باب خود» نامیده است. [۷]. «باب الجنة» کنایه از امام حسین (ع) است. پیامبر اکرم (ص) فرمود: «الا و ان الحسین باب من ابواب الجنة من عانده حرم الله علیه ریح الجنة». [۸].

ابواب الله

در احادیث و روایات تفسیری، اهل بیت اطهار و امامان معصوم (ع) - که واسطه‌ی میان خدا و خلق‌اند - «ابواب الله» خوانده شده‌اند؛ هم چنان که از آنان به «طریق» و «سبیل» و «سبب» و «صراط» تعبیر شده است. امام سجاد (ع) در معرفی خود و اهل بیت اطهار (ع) می‌فرماید: «نحن ابواب الله و نحن الصراط المستقیم و نحن عبیه علمه». [۹]. حضرت علی (ع) می‌فرماید: «نحن الشعار و الاصحاب و الخزنه و الابواب و لا تؤتی البیوت الا من ابوابها». [۱۰]. جمله‌ی اخیر آن حضرت، اشاره‌ای است به آیه‌ی شریفه‌ی: «لیس البر بأن تأتوا البیوت من ظهورها و لکن البر من اتقی و اتوا البیوت من ابوابها». [۱۱]. برخی از مفسران نیز مقصود از «ابواب» را در این آیه، ائمه (ع) دانسته‌اند که «طریق» و «باب» راه یافتن به مدینه‌ی علم پیامبرند. [۱۲]. از حضرت رضا (ع) معنای «ماء» را در آیه‌ی «ان أصبح ماؤکم غورا فممن یأتیکم بماء معین» [۱۳] پرسیدند و او در پاسخ فرمود: «ماؤکم ابوابکم ای الائمة و الائمة ابواب الله». [۱۴] در این تفسیر «ماء» در معنای مجازی به کار رفته است؛ یعنی آب وسیله‌ی حیات است و اگر آب‌ها بخشکند، راه حیات بسته است. امامان معصوم (ع) مانند آبی هستند که حیات معنوی مردم به ایشان وابسته است و در حقیقت ابواب وصول به حیات معنوی و واقعی‌اند و اگر در جهان، امام و حجتی نباشد، باب حیات معنوی مسدود است و کسی «ماء معین» یا آب گوارای زندگی معنوی را به انسان‌ها نخواهد چشاند.

ابواب ائمه

در زمان حضور ائمه (ع)، افرادی از صحابه به عنوان «باب» آنان معرفی شده‌اند. گویا این تعبیر در زمان ائمه (ع) رواج داشت، هر چند در سخنان خود ائمه (ع) و در کتاب‌های رجال از آنان با عنوان «باب» تعبیر نشده است، ولی در کتب تراجم و مناقب امامان شیعه (ع) (مانند کتاب مناقب آل ابی طالب [۱۵] و الفصول المهمة فی معرفة احوال الائمة (ع) [۱۶] و...) از عده‌ای به عنوان «باب» یا «بواب» تعبیر شده است. مانند: سلمان «باب حضرت علی (ع)»، سفینه «باب امام حسین (ع)»، ابو خالد کابلی و یحیی بن ام‌الطویل «باب امام سجاد (ع)» و افرادی دیگر که خود را به دروغ باب ائمه (ع) معرفی می‌کردند، مذمت شده‌اند و مورد تکذیب و نفرین قرار گرفته‌اند. دسته‌ی اول، آنانی بودند که با ائمه ارتباط خاص داشتند، و علاوه بر بهره‌وری از علوم و معارف ائمه (ع)، در برخی امور وکیل و مباشر کارهای ایشان و در شرایط حساس سیاسی، واسطه‌ی ائمه (ع) و پیروان آنان بوده‌اند، برای نمونه: ابو خالد کابلی و یحیی بن ام‌الطویل از یاران نزدیک امام سجاد (ع) و سال‌ها در خدمت آن حضرت بودند. جابر بن یزید جعفری از اصحاب سر اهل بیت و از نزدیکان امام باقر (ع) بود. مفضل بن عمر، که بنا بر روایات، از علوم ائمه (ع) آگاهی داشته و مورد توجه خاص امام صادق (ع) بوده است، به نمایندگی از آن حضرت به کارهای شیعیان رسیدگی می‌کرد و در منازعات مالی ایشان برای رفع اختلاف، به وکالت از آن حضرت، اموالی پرداخت می‌کرد. وی هم چنین مباشر کارهای مالی امام کاظم (ع) بود و آن حضرت خود شخصا پرداخت‌های مالی شیعیان را نمی‌پذیرفت. از سوی دیگر، در کتاب‌های سیره و تاریخ، نواب اربعه‌ی امام زمان (ع) در دوره‌ی غیبت صغری نیز «باب» خوانده شده‌اند. طبرسی از آنان به عنوان «الابواب المرضیون و السفراء الممدوحون» نام می‌برد. [۱۷] ابن‌اثیر درباره‌ی حسین بن روح نوبختی، یکی از نواب اربعه، می‌گوید که امامیه او را «باب» می‌نامیدند. [۱۸]. عثمان بن سعید عمروی، محمد بن عثمان و حسین بن روح نوبختی گذشته از سفارت امام زمان (ع) به عنوان باب‌های امام جواد، امام هادی و امام عسکری (ع) نیز نام برده شده‌اند و در روایات بر وثاقت، علم و نزدیکی آنان به ائمه (ع) تصریح شده است. [۱۹].

ابواب امام مهدی

اشاره

علاوه بر نواب اربعه که هر یک پس از دیگری، باب حضرت حجت (ع) بودند، کسانی دیگر نیز به «باب» معروف هستند؛ او در عصر خود، از ثقات و برجستگان شیعه به شمار می‌رفت و به دست سفرای اربعه توقیعات به نام آن‌ها از طرف حضرت مهدی (عج) صادر گشته است. برخی از بزرگان شیعه که در کتاب‌های تراجم و مناقب از آن‌ها به «باب» تعبیر شده است، عبارتند از: ۱. ابوالحسین، محمد بن جعفر اسدی کوفی رازی، باب حضرت حجت (عج) در «ری»؛ اردبیلی (صاحب جامع الرواة) می‌گوید: «کان احد الأبواب». [۲۰]. ۲. ابوعلی، احمد بن اسحاق اشعری قمی از اصحاب حضرت جواد (ع) و علی الهادی (ع) و باب حضرت حجت (عج) در قم؛ وی به خدمت حضرت حجت (عج) رسید و باب امام در قم بود. [۲۱]. ۳. ابراهیم بن محمد همدانی، باب امام مهدی (عج) که چهل بار حج انجام داده است. [۲۲]. ۴. ابواسحاق ابراهیم بن مهزیار اهوازی، باب امام (ع)؛ کشی درباره‌ی او می‌گوید: «و کان وکیل الناحیه و کان الأمر یدور علیه». [۲۳]. ۵. احمد بن حمزه بن الیسع قمی، باب امام حجت (عج). [۲۴]. ۶. ابوهاشم، داوود بن القاسم بن اسحاق بن عبدالله بن جعفر بن ابی‌طالب، باب حضرت حجت (عج). [۲۵]. ۷. محمد بن علی بن بلال از اصحاب حضرت حجت بن الحسن (عج)؛ سید بن طاووس در ربیع الشیعه می‌گوید: «من السفراء الموجودین فی الغیبه الصغری و الابواب المعروفین الذی لا یختلف الامامیه القائلون بامامه الحسن بن علی فیهم». [۲۶]. ۸. ابو محمد الوجنائی، باب امام حجت (عج). ۹. محمد بن ابراهیم بن مهزیار؛ اردبیلی می‌گوید: وی نیز مانند پدرش ابراهیم بن مهزیار، از ابواب امام و وکیل آن حضرت بود. [۲۷]. ۱۰. عمر اهوازی از ابواب حضرت حجت (عج). ۱۱. ابوجعفر، عبدالله أبوغانم قزوینی که به نام وی از حضرت حجت (عج)

توقیع صادر گردید. وی باب امام (ع) در قزوین بود. [۲۸].

یادآوری

۱. چنان که سید محسن عاملی امین گفته است: ظاهراً نواب اربعه که به باب امام نیز معروف هستند دارای نیابت عامه بودند و دیگر سفرا و ابواب امام، دارای سفارت و وکالات در امور خاصه بودند. [۲۹]. ۲. برخی بر این عقیده‌اند که اگر چه تعبیر «باب» در برخی از کتب تراجم، مناقب و سیر ائمه (ع) برای یاران نزدیک و خاص ایشان به کار رفته، ولی در سخنان خود پیشوایان معصوم (ع) و سپس در نوشته‌های محدثان و رجالیان، از به کار بردن آن در مفهوم مثبت، پرهیز می‌شده است؛ هم چنان که نواب اربعه را نیز عموماً، «سفراء» و «وکلاء» می‌خوانده‌اند و از نمایندگان امام کاظم (ع) به «قوام» تعبیر می‌کرده‌اند. در مقابل از کسانی چون نمیری و شلمغانی، به عنوان مدعیان «باییت» نام می‌برده‌اند. البته اصل وجود واسطه میان امام و شیعیان، چه در زمینه‌ی بیان احکام و معارف دینی و چه در امور مالی، هیچ گاه انکار نشده است. [۳۰].

باییت دروغین

چنان که اشارت رفت، در عصر حضور خود را به دروغ باب ائمه (ع) معرفی کرده و بدین سبب به تکذیب و نفرین ایشان گرفتار شده‌اند. در این بخش از نوشتار، به شناسایی برخی از این افراد در عصر حضور و غیبت می‌پردازیم تا ضمن اطلاع رسانی تاریخی، هشدار می‌باشد برای شناختن و دوری جستن از مدعیان دروغین باییت و یا وکالت و نیابت خاصه در این عصر - که از راه‌های گوناگون مانند: اینترنت به فعالیت و انحراف مردم می‌پردازند - و در نتیجه بستن راه‌های نفوذ و ترویج باطل. برخی از مدعیان دروغین باییت در عصر حضور عبارتند از: ۱. علی بن حسکه. ۲. قاسم یقطینی. ۳. محمد بن فراست. ۴. ابن بابا؛ کشتی در کتاب رجال [۳۱] از این چهار تن به عنوان افرادی نام می‌برد که ضمن نشر اندیشه‌های انحرافی، مدعی باییت امام عسکری و امام رضا (ع) بوده‌اند، ولی ائمه (ع) آنان را به شدت رد کرده و شیعیان را از تماس با ایشان بر حذر داشته‌اند.

برخی از مدعیان دروغین «باییت» در عصر غیبت

در میان شیعیان، گروهی از همان آغاز غیبت به کذب و افتراء، ادعای باییت و سفارت نمودند که برخی از آنها عبارتند از: ۱. ابومحمد شریعی؛ وی که از اصحاب امام یازدهم (ع) بود، نخستین شخصی است که «باییت» را به دروغ مدعی گردید و این مقام را به خود نسبت داد. [۳۲]. ۲. محمد بن نصیر نمیری؛ مؤسس فرقه‌ی «نصیری» که پس از ابومحمد شریعی ادعای باییت نمود و از غلات است و حضرت حجت (عج) او را لعن فرمود، هنگام مرگ زبانش سنگین شد، به گونه‌ای که وقتی پیروانش از او پرسیدند باب بعد از تو کیست؟ او با لکنت گفت: احمد. پیروانش مقصود او را که غرض کدام احمد است، نفهمیدند و به سه فرقه تقسیم شدند: فرقه‌ای گفتند: مقصود او احمد فرزندش است و فرقه‌ی دوم گفتند: احمد بن موسی بن الفرات است و فرقه‌ی سوم به احمد بن ابی‌الحسین بن بشر گرویدند و هر سه‌ی آنان ادعای باییت نمودند. [۳۳]. ۳. حسین بن منصور حلاج، عارف مشهور، از مدعیان باییت. [۳۴]. ۴. ابوجعفر، محمد بن علی شلمغانی معروف به ابن ابی‌العزافر از مدعیان باییت. [۳۵]. ۵. ابوبکر، محمد بن احمد بن عثمان بغدادی، برادرزاده‌ی ابوجعفر محمد بن عثمان بن سعید عمری سفیر دوم حضرت حجت (عج) از مدعیان باییت. [۳۶]. ۶. احمد بن هلال کرخی (۱۸۰ - ۲۶۷ هـ.ق) از مدعیان باییت؛ درباره‌ی وی گفته‌اند: «کان غالباً متهما فی دینه... ورد فیه ذموم عن سیدنا ابی‌محمد العسکری». [۳۷]. ۷. ابودلف مجنون، محمد بن مظفر الکاتب ازدی، صاحب کتاب «اخبار الشعراء» از مدعیان باییت. [۳۸]. ۸. عبدالله بن میمون القداح در سال ۲۵۱ هـ. ق مدعی نیابت خاصه گردید. ۹. یحیی بن زکویه (ذکویه) در سال ۲۸۱

۱۱. ق مدعی نیابت خاصه و باب امام گردید. ۱۰. محمد بن سعد شاعر کوفی متوفای سال ۵۴۰ هـ. ق مدعی باب امام گردید. ۱۱. احمد بن حسین رازی متوفای سال ۶۷۰ هـ. ق مدعی باب امام گردید. ۱۲. سید شرف الدین ابراهیم متوفای سال ۶۶۳ هـ. ق؛ مدعی نیابت خاصه و باب امام گردید. سپس مدعی امامت شد. از شیراز به خراسان رفته، مدتی در خراسان بود و هنگام برگشتن به شیراز داعیه‌ی خود را آشکار کرد. [۳۹]. ۱۳. حسین بن علی اصفهانی کاتب متوفای ۸۵۳ هـ. ق صاحب کتاب «ادب المرء». ۱۴. علی بن محمد سجستانی بغدادی متوفای سال ۸۶۰ هـ. ق صاحب کتاب «ایقاظ». ۱۵. محمد نوربخش، رئیس و مؤسس فرقه‌ی نوربخشیه (۷۹۵ - ۸۹۶ هـ. ق)؛ در سال ۸۲۶ هـ. ق مدعی نیابت و باب امام گردید و سپس مهدویت خود را اعلام نمود. ۱۶. سید محمد هندی متوفای سال ۹۸۷ هـ. ق؛ وی که ادیب و شاعر بود، در مشهد می‌زیست و مدعی باییت گردید. ۱۷. محمد بن فلاح مشعشع رئیس مشعشعین خوزستان که دعوی نیابت خاصه و باییت نمود. سپس مدعی مهدویت شد و در سال ۸۴۱ هـ. ق دعوت خود را آشکار نمود. وی سال‌ها در خوزستان حکومت نمود تا آن که در سال ۸۷۰ هـ. ق وفات یافت. [۴۰]. ۱۸. عباس فاطمی؛ در اواخر قرن هفتم می‌زیسته ادعای باییت خاصه و مهدویت نمود. وی دارای پیروانی بوده و دولتی تشکیل داد و شهر فاس را تصرف نمود و در پایان کار به مکر و حيله به قتل رسید و دولت وی منقرض گشت. [۴۱]. ۱۹. درویش رضا قزوینی؛ متوفای ۱۰۴۱ هـ. ق مدعی باییت بود و در عصر شاه صفی صفوی خروج کرد. وی از طایفه‌ی مانلو است و در زی درویشان و قلندران به سیاحت پرداخت. سپس به مقام ریاست و رهبری رسید. [۴۲]. ۲۰. شیخ مهدی مشهدی متوفای ۱۲۹۱ هـ. ق دارای تألیفاتی چون الاسرار و الملاحم مدعی باییت گردید. ۲۱. سید علی مشهدی بزاز که در زمان سلطنت سلطان سلیمان صفوی می‌زیسته مدعی باییت گردید. ۲۲. محمد فاسی مغربی متوفای ۱۰۹۵ هـ. ق صاحب کتاب سیبل الاولیاء مدعی باییت گردید. ۲۳. میرزا محمد هروی؛ مدتی در هندوستان بود و تألیف‌هایی دارد که نظم کلمات قصار حضرت امیر مؤمنان (ع) از آن جمله است. وی در زمان فتحعلی شاه قاجار پس از آن که مدعی باییت گردید، به قتل رسید. ۲۴. محمد بن عبدالله حسان المهدی، پس از تحصیل در علوم دینی به حج رفت و از مکه به صومال بازگشت و از مدعیان اصلاح بود و در سال ۱۸۹۹ میلادی خود را باب و سپس مهدی موعود اعلان نمود. وی مؤسس فرقه‌ی صالحیه است. ۲۵. محمد احمد بن عبدالله سودانی (۱۸۴۳ - ۱۸۸۵ م) از خاندان سادات حسینی، پس از تکمیل علوم دینی به حج رفت و در بازگشت از مکه‌ی مکرمه خود را باب امام سپس مهدی موعود اعلام نمود و تمام قبایل کردخان و دارخور و بحر الغزال و سودان شرقی با وی بیعت کردند او به جنگ با انگلیسی‌ها که سودان را تصرف کرده بودند پرداخت و خرطوم پایتخت سودان را فتح نمود و در ام درمان وفات یافت. [۴۳]. علاوه بر این عده‌ای که اسامی آنان ذکر شد، هر از چند گاهی، افرادی به دروغ ادعای باییت می‌کنند. در قرن سیزدهم هجری آن که در این ارتباط گروهی را به انحراف کشانید، سید علی محمد شیرازی بود که فرقه‌ی ضاله‌ی بابیه را بنا نهاد و تفصیل ماجرای وی در همین مجله آمده است. در سال‌های اخیر، برخی دیگر از این موضوع سوء استفاده کرده و به دروغ ادعاهایی را مطرح کردند، ولی مورد قبول دیگران قرار نگرفته‌اند. به خواست خداوند، در نوشتار آتی از فرقه‌ی ضاله بهائیت که پس از باییت به وجود آمد، سخن خواهیم گفت.

پاورقی

[۱] دانشنامه‌ی جهان اسلام، زیر نظر سید مصطفی میر سلیم، ج ۱، ص ۱۰؛ لازم به یادآوری است که در این مقاله علاوه بر مصادر معرفی شده در پانویس، مصادر زیر هم استفاده و اقتباس شده است: دانشنامه‌ی جهان اسلام، ج ۱، ص ۱۲ - ۱۰، مقاله‌ی عباس زریاب و حسن طارمی؛ دایرة المعارف تشیع، جلد سوم، واژه‌ی «باب».

[۲] بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد، محمد بن حسن صفار قمی، ص ۱۹۹، چاپ محسن کوچه باغی تبریزی، قم ۱۴۰۴.

[۳] اصول کافی، ۱ / ۴۳۷.

- [۴] همان: ۲ / ۳۸۸ - ۳۸۹.
- [۵] علاوه بر مصادر پیش گفته‌ی شیعی، برای اسناد این حدیث نگاه کنید به: حلیه الاولیاء: ۱ / ۶۵، ۷ / ۳۴؛ المستدرک علی الصحیحین، حاکم نیشابوری: ۳ / ۱۲۶؛ تاریخ بغداد: ۲ / ۳۷۷؛ الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، ابن عبدالبر: ۲ / ۴۶۲، ۴۶۳.
- [۶] علاوه بر مصادر پیش گفته‌ی شیعی، برای اسناد این حدیث نگاه کنید به: حلیه الاولیاء: ۱ / ۶۵، ۷ / ۳۴؛ المستدرک علی الصحیحین، حاکم نیشابوری: ۳ / ۱۲۶؛ تاریخ بغداد: ۲ / ۳۷۷؛ الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، ابن عبدالبر: ۲ / ۴۶۲، ۴۶۳.
- [۷] ر.ک: بحار الانوار: ۴۰ / ۲۰۰ - ۲۰۷؛ الغدیر: ۶ / ۶۱ - ۸۱؛ احقاق الحق و ازهاق الباطل، نورالله شوشتری، ج ۵، ص ۵۱۵ - ۴۶۸.
- [۸] بحار: ۲۶ / ۲۶۳.
- [۹] بحار: ۲۴ / ۱۲.]
- [۱۰] نهج البلاغه، خطبه ۱۵۴.
- [۱۱] بقره / ۱۸۹.
- [۱۲] ر.ک: مجمع البیان طبرسی، ذیل آیه؛ تفسیر فیض کاشانی، ذیل آیه.
- [۱۳] ملک / ۳۰.
- [۱۴] بحار: ۲۴ / ۱۰۰.
- [۱۵] ر.ک: مناقب آل ابی طالب، ابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۷۷، ۱۷۶، ۲۱۱، ۲۸۰، ۳۲۵، ۳۶۸، ۳۸۰، ۴۰۲، ۴۲۳.
- [۱۶] الفصول المهمه، ابن صباغ، ص ۲۲۹، ۲۴۱، ۲۶۲، ۲۷۴، ۲۸۱.
- [۱۷] ر.ک: الاحتجاج، ص ۴۷۷.
- [۱۸] ر.ک: الکامل فی التاریخ: ۸ / ۲۹۰.
- [۱۹] در کتاب الهدایه الکبری فی تاریخ الائمه (حسین بن حمدان خصیبه... ۳۵۸ هـ - ق) کسانی به عنوان «ابواب» نام برده شده‌اند که «حاملان اسرار و علوم ائمه (ع)» بودند و در عین حال برای هر امام و کلایی نیز معرفی شده‌اند که واسطه‌ی امام با شیعیان در کارهای مالی و غیره آن بودند.
- [۲۰] جامع الرواه: ۲ / ۸۳.
- [۲۱] همان: ۱ / ۴۱؛ رجال ابن داود، ص ۲۴.
- [۲۲] رجال کشی، ص ۵۰۹ - ۵۰۸؛ جامع الرواه: ۱ / ۳۳.
- [۲۳] رجال کشی، ص ۴۴۶؛ و نیز ر.ک: رجال ابن داود، ص ۱۹؛ جامع الرواه: ۱ / ۳۵.
- [۲۴] ر.ک: اعیان الشیعه: ۲ / ۴۸؛ رجال ابن داود، ص ۲۷؛ جامع الرواه: ۱ / ۴۹.
- [۲۵] جامع الرواه: ۱ / ۳۰۷؛ فهرست شیخ طوسی، ص ۱۳۱.
- [۲۶] جامع الرواه: ۲ / ۱۵۳؛ رجال ابن داود، ص ۲۴.
- [۲۷] جامع الرواه: ۲ / ۴۴.
- [۲۸] ضیافه الاخوان، ص ۶۶؛ الغیبه، شیخ طوسی، ص ۱۷۲.
- [۲۹] ر.ک: اعیان الشیعه: ۲ / ۴۸.
- [۳۰] ر.ک: دانشنامه‌ی جهان اسلام، همان: ۱ / ۱۲.
- [۳۱] رجال کشی، شماره‌ی ۹۹۷ - ۹۹۹، ۱۰۴۸.
- [۳۲] بحار الانوار: ۵۱ / ۳۶۷.

- [۳۳] معجم رجال الحديث، ابوالقاسم خوئی: ۱۷ / ۳۳۶ - ۳۳۸.
- [۳۴] بحارالانوار: ۵۱ / ۳۶۹؛ معجم رجال الحديث: ۶ / ۹۷.
- [۳۵] بحارالانوار: ۵۱ / ۳۷۱؛ معجم رجال الحديث: ۱۷ / ۵۳.
- [۳۶] معجم رجال الحديث: ۱۷ / ۲۹۷.
- [۳۷] جامع الرواة: ۱ / ۷۴؛ بحارالانوار: ۵۱ / ۳۶۸؛ معجم رجال الحديث: ۲ / ۳۶۷ - ۳۷۱.
- [۳۸] جامع الرواة: ۲ / ۲۰۲؛ معجم رجال الحديث: ۱۷ / ۲۹۶.
- [۳۹] تاریخ و صاف، ص ۱۹۲ - ۱۹۱؛ مدعیان نبوت و امامت، ص ۲۶۴ - ۲۶۳.
- [۴۰] تاریخ پانصد ساله خوزستان، کسروی، ص ۲۳ به بعد؛ مدعیان نبوت و مهدویت، ص ۲۷۱ - ۲۶۵.
- [۴۱] مدعیان نبوت و مهدویت، ص ۲۶۵.
- [۴۲] همان، ص ۲۷۶.
- [۴۳] دائرة المعارف تشیع، ج ۳، ص ۳ و ۴.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البيت عليهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت عليهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی
 ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه
 ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...
 د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای
 و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)
 ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...
 ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه
 ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال
 دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان
 تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی:
www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۱۱ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور
 کاربران ۲۳۳۳۰۴۵ (۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده ولی
 جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل
 و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق
 روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایند انشاءالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۶۲۳۱-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: -۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-۰۹۰ IR
 ۵۳-۰۶۰۹ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید
 ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام :- هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده
 است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار
 شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است،
 هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می داری: مردی
 اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می رسانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از
 پیروان ما را دارد، اما تو دریچه ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می دارد و با حجت های خدای متعال،

خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

